

سلسله دروس استاد معظم آیت الله سید جعفر سیدان دامت برکاته

در شرح کتاب شریف توحید صدوق

جلسه بیست و دوم، دوشنبه مورخه ۱۳۹۱/۱۱/۹

مکان: مدرسه علوم دینی حضرت ولی عصر عج

تهیه و تنظیم: قدرت الله رضانی

باب ۲ (التوحید و نفی التشبیه)، حدیث دوم:

بحث به اینجا رسید که حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود:

كُلُّ مَعْرُوفٍ بِنَفْسِهِ مَصْنُوعٌ وَ كُلُّ قَائِمٍ فِي سِوَاهُ مَعْلُولٌ، بِصْنَعِ اللَّهِ يُسْتَدَلُّ عَلَيْهِ (التوحید، ص:

۳۵)؛ هر آنچه که به نفس و ذات خود شناخته شود، مصنوع و ساخته شده است، و هر آنچه در

چیزی (یا به چیزی) غیر از خود، قائم باشد، معلول و نیازمند به علت است، به وسیله مخلوقات خدا،

می توان بر وجود او استدلال کرد.

كُلُّ مَعْرُوفٍ بِنَفْسِهِ مَصْنُوعٌ؛

هرچیزی که حقیقت او و نفس او برای انسان معروف و معقول و متصور شود مصنوع است. معروف بودن

چیزی یعنی در احاطه علمی انسان قرار گرفتن آن، به گونه ای که معقول و متصور و متوهم انسان باشد.

پس خداوند که مصنوع نیست، معروف بنفسه - به این معنا - نیست. چون اگر چنین شد محدود می شود؛

و هرآنچه محدود شد نیاز به علتی دارد که به او حد زده است. خود محدودیت دلیل روشن عقلی است بر

مصنوعیت شیء محدود.

اگر گفته شود: این حد ذاتی اوست، می گوییم: اگر حد ذاتی شد باید تقسیم پذیر نباشد، در حالی که هر

محدودی (لا اقل تصورا) قابل تقسیم است، پس حد ذاتی نیست، ذاتی که نبود پس به او داده شده، پس علت

دارد و این یعنی مخلوق و مصنوع بودن.

به عبارت دیگر، هرچه محدود است معلول است، چون حد ذاتی او نیست، چراکه اگر حد ذاتی او باشد،

قابل تقسیم نمی تواند باشد، ذاتی شیء تغییر نمی کند، در حالی که هرچه محدود است قابل تقسیم است لا اقل

تصوراً، پس حد ذاتی او نیست، یعنی حد به او داده شده، پس محتاج و نیازمند و مصنوع می شود. و اینها با ذات

حضرت حق سازگار نیست.

البته برخی این مسئله را گفته اند که:

می شود خداوند متعال - بنفسه - شناخته شود، یعنی ما می توانیم خود خدا را بشناسیم! از بیانات روائی هم

خواسته اند استفاده کنند. از قبیل: «وصال خدا» (إِلَهِي أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ، إقبال الأعمال ج ۱،

ص: ۳۵۰؛ مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۵، ص: ۲۲۶، از ادعیه روز عرفه)؛

«لقاء خدا» (وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعُنِي لِلْقَائِكِ، صحیفه سجادیه، دعای روز عرفه)، «مشاهده خدا» (وَأَجْتَبَيْتَهُ

لِمُشَاهَدَتِكَ، زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص: ۴۱۲، المناجاة التاسعة: مناجاة المحبّين)، و عباراتی از این قبیل.

و لذا این عده قائل اند که این چنین شناختی برای کمترین ممکن است، البته نه آن شناختی که عرفا گفته اند (به معنای وحدت و اتحاد با خدا که مرز مخلوق و خالق به هم می ریزد و فناء در ذات پیش می دهد). و این چیزی است که به فشار تعقل حاصل نمی شود، بلکه به تضرع و از طرف خدا - بتعریف من الله - است. و گفته اند: معروف بنفسه وقتی مصنوع است که معقول و متصور شود و در احاطه علمی انسان قرار گیرد، اگر چنین باشد مصنوع است. ولی معرفت مورد نظر که چنین نیست، بلکه طوری وراء این حرف هاست که از آن راه می شود بنفسه خدا را شناخت.

در بیانات علامه مجلسی هم به این نکته اشاره شده است، در ذیل جمله معروف دعای صباح (یا من دلّ علی ذاته بذاته) می نگارد:

یعنی یا من کان نور ذاته دلیلاً موصلاً للطالین الی ذاته المتعالیه (من مدارک الأفهام و مسالک الأوهام)، و هذا مشهد عظیم مخصوص بالکاملین و أما الناقصون فیستدلون من الأثر علی المؤثر و الفرق بین الفریقین کالفرق بین من رأى الشمس بنور الشمس و بین من استدل علی وجود الشمس بظهور أشعتها (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۱، ص: ۲۴۹).

مرحوم قاضی سعید قمی نیز چنین مطلبی دارند، در ذیل جمله های بعدی (بالقول یعتقد معرفته) آمده است:

نعم، طریق آخر للخلاص من المحمديّین خصّهم الله بذلك من بین سائر الأمم تفضلاً منه لنبيه ﷺ و لمن أبصر بنور ذلك و هو طور وراء هذه الأطوار، رزقنا الله و إياکم مشاهدة نور الأنوار (شرح توحید صدوق، ج ۱، ص: ۱۲۸).

بعضی دیگر هم چنین عباراتی دارند. این مطلب را ما در جای خود نقد و بررسی نموده ایم و فعلاً وارد آن نمی شویم؛ منتها در اینجا همین قدر متذکر می شویم که:

اگر این را قبول داشتیم که هیچ، اما اگر این نظریه را قبول نداشتیم، تمام عبارات روایی (مانند آنچه بیان شد) توجیه می شود. به عنوان نمونه، عبارت (یا من دلّ علی ذاته بذاته)، چنین معنا می شود که: تمام وسائل شناخت خدا از ناحیه خود خداست؛ نه اینکه عرفان ذات حق مطرح باشد.

در همین پاورقی (تعلیقه سید هاشم حسینی تهرانی بر توحید صدوق، ص ۳۷) هم آورده اند:

ای کلّ ما عُرِف بذاته و تُصوّر ماهیته فهو مصنوع و هذا لاینافی قول امیرالمؤمنین ﷺ: «یا من دلّ علی ذاته بذاته»، و لا قول الصادق ﷺ: «اعرفوا الله بالله»، لانّ معنی ذلك انه ليس فی الوجود سبب لمعرفة الله تعالى الا الله لانّ الكل ينتهی الیه.

حاصل اینکه: همه وسائل شناخت را خود خدا تعیین کرده، پس مراد از عبارت: «یا من دلّ علی ذاته بذاته» این است که خدا را بشناسیم به وسائلی که خود او تعیین کرده. یعنی خدا را که به آیات - که خدا خلق کرده - می شناسیم، و به فطرت - که خدا آن را آفریده - می شناسیم.

خلاصه عبارت اول: (كُلُّ مَعْرُوفٍ بِنَفْسِهِ مَصْنُوعٌ) این شد: هر چیزی که خود و ذاتِ او برای انسان معروف شود (به گونه‌ای که محاط علمی انسان قرار گیرد) مصنوع است. دلیلش هم بیان شد.

وَكُلُّ قَائِمٍ فِي سِوَاهُ مَعْلُولٌ؛

و هر چیزی که وابسته به غیرش باشد معلول است. یعنی نیازمند و مخلوق است.

بِصْنَعِ اللَّهِ يُسْتَدَلُّ عَلَيْهِ؛

به وسیله مصنوعات، بر خدا استدلال می‌شود، چنانچه در قرآن کریم آمده است:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (سوره بقره، آیه ۱۶۴)؛

راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا روانند با آنچه به مردم سود می‌رساند، و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده، و با آن، زمین را پس از مردنش زنده گردانیده، و در آن هر گونه جنبنده‌ای پراکنده کرده، و [نیز در] گردانیدن باده‌ها، و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است، برای گروهی که می‌اندیشند، واقعاً نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد.

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است	دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
کوه و صحرا و بیابان همه در تسبیح‌اند	نه همه مستمعین فهم کنند این اسرار
که تواند که دهد میوه شیرین از چوب	یا که داند که برآرد گل صبرگ از خاک

در بسیاری از روایات هم ائمه معصومین (علیهم‌السلام) - در برخورد با عموم - از این شیوه (استدلال به آیات) استفاده کرده‌اند.

بهترین شیوه‌ای که می‌شود در برخورد با منکرین خدا بکار برد، همین شیوه (وابستگی موجودات) است. گفته می‌شود که: به خودت نگاه کن، آیا بخود هستی؟ اگر بخود باشی که می‌خواهی همیشه جوان، سالم و خوشنود باشی! به هر موجودی هم که نگاه کنی می‌یابی که همین طور است. هر موجودی بگوید من به پدرم هستم، باز پدرش هم همین طور است و هكذا. هر موجودی را که نگاه کنیم، می‌یابیم که داد می‌زند من مصنوع و ساخته شده‌ام. ساخته شده، داد می‌زند که صانع می‌خواهم! نزد عقل واضح است که موجود وابسته، احتیاج به غیر دارد. غیر هم اگر مثل خودش باشد همین طور است. پس باید به یک حقیقت غیر وابسته‌ای برسد!

اللهم صل علی محمد و آل محمد